

چشم انداز آینده



درآمد

متأسفانه نبود امکانات از یک سو و شرایط خاص دانشجویی از سوی دیگر مانع از آن شد که شماره ۵ باستان‌پژوهی در موعد مقرر، یعنی شهریور ماه امسال، به دست خوانندگان عزیز برسد. بنابراین تصمیم گرفتیم تا به همراه شماره اصلی ضمیمه‌ای هم منتشر کنیم. البته این ضمیمه علاوه بر بخش مقالات و مصاحبه در برگزیده شماری از کارهایی است که از آغاز تاسیسی هسته علمی انجام شده بود و می‌بایست به چاپ می‌رسید. امیدواریم گامی مثبت در جهت پیشبرد رشته باستان‌شناسی در کشور باشد.

* * *

۷۶/۸/۲۰ روزی پرخاطره بود. در این روز جمعی از دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران در مسجد کوی دانشگاه تهران اقدام به پایه‌گذاری انجمنی به نام «هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی» با ساختاری جدید نمودند. به مناسبت دومین سالگرد تأسیس هسته علمی، چهارشنبه ۷۸/۸/۱۹ میزگردی با عنوان «چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران (۱)» ترتیب یافت. این میزگرد با حضور دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر، دکتر عباس علیزاده، دکتر هایده لاله، دکتر محمدرحیم صراف و دکتر بهمن فیروزمندی در تالار شورای دانشکده ادبیات برگزار شد. هدف از این میزگرد، گرد هم آوردن باستان‌شناسان ایرانی، تلاش برای ترسیم چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران و تأمل بر دلایل افت و رکود آن بود. در پایان میزگرد نیز از طرف مدیریت جهاد دانشگاهی دانشکده ادبیات هدایایی به رسم یادبود به همکاران هسته علمی اهدا گردید. این عزیزان عبارت بودند از (میر روح... محمدی، نوذر حیدری، محمدتقی عطایی، محسن زیدی، علیرضا عسگری، بهرام آجورلو، کریم علیزاده، سیداحمد میرهاشمی، لیلا پاپلی یزدی، نگین میری، خدیجه حسین‌زاده، مهدی بیگ محمدپور، محسن محمودپور و شهرام زارع. همچنین از زحمات آقایان جعفری، بروجنی، محمودی، قربانی، خدیش، کوهستانی، باقری و رحمانی و خانم سلیمان‌زاده تشکر و قدردانی شد).

* * *

از آنجا که غیر از باستان‌پژوهی، تنها یک مجله دیگر به طور جدی پرداختن به مسایل باستان‌شناسی را وجه همت خود قرار داده است و به ندرت کتابی در این باره منتشر می‌شود، دانشجویان، متخصصان و علاقه‌مندان به باستان‌شناسی تنها در صورت آشنایی با زبان خارجی قادر به برقراری ارتباط و آگاهی از این رشته می‌باشند. با در نظر گرفتن این مسأله و مسایل گوناگون دیگری نظیر وضعیت بسیار نامطلوب مراکز آموزشی باستان‌شناسی، رویش سرسام‌آور مراکز آموزشی باستان‌شناسی بدون در نظر گرفتن سطح کیفی آن در کشور، افت و رکود پژوهشی

میزگردی با حضور

دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر

دکتر محمد رحیم صراف

دکتر بهمن فیروزمندی

دکتر عباس علیزاده

دکتر هایده لاله

باستان‌شناسی ایران

□ پرسش اول را از خانم دکتر لاله آغاز می‌کنیم. لطفاً بفرمایید چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر لاله: سؤال خوبی است ولی بحث زیادی را می‌طلبد. به نظر من مسأله خیلی جدی است و باید باستان‌شناسی را به صورت "حرفه‌ای" در نظر گرفت. قبل از هر چیز باید بدانیم باستان‌شناسی ابزار خوبی برای آگاهی از هویت خودمان است. بنابراین در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و دیگر زمینه‌ها باید به طور جدی به آن فکر کنیم. در این زمینه و زمینه آموزش، دانشگاه بار سنگینی را به دوش می‌کشد. در زمینه پژوهش هم باید ببینیم که چه کمبودهایی داریم. برای اینکه به آینده باستان‌شناسی بنگریم و برنامه‌ریزی کنیم، باید بدانیم در پشت سرمان چه داریم. یعنی در درجه اول بدانیم که در خلاء نمی‌توان ماند. باید بدانیم که کارنامه ما در این سالها چیست. بنابراین فکر می‌کنم خیلی جدی و بی‌طرفانه یک بیلان از کارمان بگیریم و بعد بر اساس آن به آینده باستان‌شناسی که بسیار در حال پیشرفت و توسعه است و شتاب زیادی گرفته پیردازیم. ما وقتی می‌توانیم به آینده نگاه کنیم که گذشته خودمان را خوب بشناسیم که البته کار سختی نیست و در این صورت بهتر می‌توانیم به آینده پیردازیم.

□ آقای دکتر رفیع‌فر! نظر شما چیست؟

دکتر رفیع‌فر: اگر سؤال این هست که ما چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران را چگونه می‌بینیم پاسخ آن متأسفانه خوشحال‌کننده نیست. ولی اینکه باید چکار کنیم که چشم‌انداز قابل قبولی از باستان‌شناسی داشته باشیم، می‌توانیم پیشنهاداتی را برای آن بدهیم و تصور می‌کنم بهترین پاسخ این است که در درجه اول برنامه‌ریزی جدید در بعد آموزشی داشته باشیم و مسؤولان، متخصصان و متولیان این رشته باید گرد آیند و برنامه‌های جدیدی را مطابق با پیشرفت این علم در دنیا آرایه دهند. برای اینکه این برنامه‌ریزی به بهترین نحو انجام شود، ما نیاز به تخصص‌های گوناگون، جامع و همه‌جانبه داریم. طبقاً نتایج این برنامه‌ریزی در آینده، وضعیت باستان‌شناسی کشور را می‌تواند دگرگون کند. در بعد پژوهشی هم باید خیلی اهمیت قابل شوم چون اثر باستانی چیزی است که غیر از متخصصین هیچ‌کس حق ندارد در مورد آنها کار پژوهشی انجام دهد. محلهای باستانی، محلهایی هستند که تکرارپذیر نیستند و غیرمتخصص نباید در مورد آنها نظر تخصصی بدهد چه برسد به اینکه به کاوش پیردازد. اگر در مورد آن مطالعه دقیق صورت نگیرد برای همیشه از بین می‌رود و بخشی از میراث تاریخی - فرهنگی نابود می‌شود.

□ آقای دکتر صراف! دیدگاه شما چیست؟

دکتر صراف: باید تشکر کنم که چنین جلسه‌ای را تشکیل دادید تا

باستان‌شناسی (به طوری که مهمترین مرکز پژوهشی باستان‌شناسی حتی یک مجله تخصصی در این زمینه ندارد)، تأسیس مقطع دکترای باستان‌شناسی، نبود تخصص‌پذیری در باستان‌شناسی ما، تلقی نادرست از باستان‌شناسی در بین توده مردم و حتی برخی از نخبگان، بی‌توجهی رسانه‌های گروهی و نهادهای مسؤول نسبت به ارزش و اهمیت این دانش، هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی بر آن شد تا جلساتی را با عنوان «چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران» با حضور استادان، پژوهشگران، دانشجویان و مسؤولان باستان‌شناسی کشور برگزار نماید.

به یقین گرد هم آمدن و تبادل نظر باستان‌شناسان، مسؤولان و دیگر صاحب‌نظران ما را در اتخاذ برنامه‌های درست و دقیق برای ترسیم چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی کشور یاری خواهد کرد. به هیچ رو تضمین تداوم اینگونه جلسات از سوی یک انجمن دانشجویی ممکن نیست لیکن مراکز آموزشی باستان‌شناسی (در رأس آنها دانشگاه تهران) و تنها و مهمترین مرکز پژوهشی باستان‌شناسی ایران (یعنی پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی) در صورت قبول مسؤولیت بیشتر در قبال این مسأله خواهند توانست تداوم این نشستها را تضمین کنند. به گمان ما زمان آن فرارسیده است که به دور از هرگونه تنگ‌نظری و ملاحظه‌کاری، تنها مرکز پژوهشی باستان‌شناسی با مراکز آموزشی به گفتگو نشستند و با استفاده از نظرات صاحب‌نظران دانشگاهی و کارشناسان سازمان میراث فرهنگی برنامه‌های جامع و دقیق برای رسیدن به سطح مطلوب در باستان‌شناسی فراهم آورد. البته به مراکز آموزشی باستان‌شناسی ایران و در رأس آنها گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران انتقاد جدی وارد است و گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران به عنوان پایه گذار باستان‌شناسی ایران، می‌بایست به نقد فعالیتهای خود پیردازد و کارنامه فعالیتهای شصت ساله‌اش را آرایه نماید. از این مرکز انتظار می‌رود با جذب نیروهای متخصص و پرورش نیروی جوان (که در دو دهه گذشته به بدترین وجهی از هر دو اهرم استفاده کرده است) طلایه‌دار تحول در باستان‌شناسی ایران گردد. بدون تردید این امر مورد توجه رشته‌های دانشگاهی دیگر هم قرار خواهد گرفت و ان‌شاءالله در رشته‌های دیگر علمی نیز تحولی بنیادی به وجود آید.

میزگرد «چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران (۱)» ما را با دیدگاه‌های برخی از استادان و پژوهشگران باستان‌شناسی کشور آشنا می‌سازد. لازم به یادآوری است دیدگاه‌های آرایه شده لزوماً مورد تأیید باستان‌پژوهی نیست و نتیجه‌گیری در این باره بر عهده خوانندگان گرامی می‌باشد و خواهشمندیم ما را با نظرات خود و آرایه راهکارهای بهتر در ترسیم این چشم‌انداز یاری نمایند.

جبران شود. تخصص‌های مختلفی در دنیا وجود دارد ما باید آنها را داشته باشیم و در آموزش باید به آنها خیلی اهمیت داده شود، نمی‌شود به جزوه‌ها تکیه کرد. کتابهای بیشتری باید خریداری شود و مستقیماً در اختیار دانشجویان قرار گیرد. دانشجویان باید با آموزش زبان خارجه بتوانند

باستان‌شناسان بتوانند با هم باشند. از طرفی باید گلایه بکنم از هسته علمی که افرادی را از سازمان میراث فرهنگی به طور رسمی دعوت نکردند تا پاسخگو باشند. من در اینجا از طرف سازمان هیچ مسؤولیتی را قبول نمی‌کنم و از جانب خودم حرف می‌زنم. در رابطه با این سؤال باید بگویم که

● به نظر من سطح مطلوب برای تأسیس چهارچوبی واقعاً کیفی و علمی برای تربیت دکتر وجود ندارد.

● برای اینکه به آینده باستان‌شناسی بنگریم و برنامه‌ریزی کنیم، باید بدانیم در پشت سرمان چه داریم. یعنی در درجه اول بدانیم که در خلاء نمی‌توان ماند. باید بدانیم که کارنامه ما در این سالها چیست.

● در باستان‌شناسی با میراث فرهنگی سر و کار دارید. یعنی ابعاد مادی و معنوی انسان در کل جهان از آغاز تا امروز، بنابراین مسأله میراث فرهنگی مسأله چند پژوهشگر نیست بلکه مسأله همه ایران است.



ارتباط بیشتری با دنیا برقرار کنند. در زمینه پژوهش هم متأسفانه کمبودهایی داریم که آن هم تا حدی به آموزش برمی‌گردد چون کارشناسان از بخش دانشگاه به بخش پژوهشی می‌آیند و مشکلات زیادی برای بررسی، کاوش و ... دارند. دانشجو وقتی به بخش پژوهشی می‌آید دیگر نباید دوباره از صفر شروع کند. پژوهش ما ضعفهایی دارد ولی تنها در این جلسه نمی‌توان آن را رفع کرد، باید با حضور مسؤولان پژوهش، مسأله را مورد بررسی قرار داد.

این برنامه نیاز به جلسات متعددی دارد و جای خیلی‌ها هم خالی است. اینکه کسی از سازمان در اینجا نیست تا چشم‌اندازی از آینده باستان‌شناسی ارایه کند، جای تأسف دارد اما به هر حال اگرچه حرفهای ما در اینجا جنبه رسمی ندارد، یعنی در اینجا صحبت می‌کنیم، بیرون می‌رویم و باز هم هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود و مشکلات چه در بخش آموزشی و چه در بخش پژوهشی همچنان باقی خواهد ماند لیکن ارزش چنین جلساتی بسیار بالاست. من پیشنهاد می‌کنم برنامه طوری باشد که روندی را طی کند تا متخصصین، صاحب‌نظران و مسؤولان دور هم جمع شوند و کمیته‌ای را تشکیل دهند که بتوانیم بعد از این جلسه، برنامه‌ها را ادامه دهیم و به یک نتیجه مطلوب برسیم و برای رفع مشکلات و ارایه یک چشم‌انداز مطلوب باید یک کمیته ثابت تشکیل شود متشکل از اساتید، دانشجویان و کارشناسان سازمان میراث فرهنگی که جلسات دیگری را تشکیل دهند تا به نتیجه راضی‌کننده‌ای برسیم. اما نظر خود من درباره چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی کشور، هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی دارد. جنبه مثبت آن این است که باستان‌شناسی در این کشور وجود خواهد داشت و روند آن ادامه خواهد داشت. مشکلاتی ما در آموزش و پژوهش می‌بینیم ولی مشکلات را باید حل کنیم. خوشبختانه اساتید خوبی در گروه باستان‌شناسی و سازمان هستند که می‌توانند باستان‌شناسی را به پیش ببرند. مشکل مهمی که در باستان‌شناسی کشور هست تفرقه و جدایی بین باستان‌شناسان است. یعنی ما تشکیلات نداریم. مثلاً انجمن باستان‌شناسی یا تشکلی که به این مشکلات بپردازد نداریم چه بسا که اگر هسته علمی هم این جلسه را تشکیل نمی‌داد، ما نمی‌توانستیم اینجا بیاییم و مشکلات را بیان کنیم. پس برای اینکه ما بتوانیم مشکلاتمان را حل کنیم، باید یک جمعی باشد که به مسایل صنفی ما بپردازد؛ چه دانشجویان، چه اساتید و چه کارشناسان. به هر حال از نظر من، باستان‌شناسی دارد به حرکت خود ادامه می‌دهد ولی ضعفها و مشکلاتی وجود دارد. اساس باستان‌شناسی کشور را آموزش تشکیل می‌دهد و اگر ما نتوانیم آموزش را درست کنیم، مشکلات همچنان باقی خواهد ماند. من پیشنهاد می‌کنم که در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم نباید به مسایل تئوری پرداخت. این همه هیأت‌های باستان‌شناسی در کشور هست ولی باید دید که چه تعداد دانشجو در این هیأت‌ها شرکت دارد. دانشجویان باید به شکل عملی آموزش ببینند و کمبود نیروی انسانی ما

□ آقای دکتر فیروزمندی! لطفاً بفرمایید دلایل افت و رکود

باستان‌شناسی ما را چه می‌دانید؟

دکتر فیروزمندی: من معتقد نیستم که در گروه باستان‌شناسی افت علمی وجود دارد چرا که تمام همکارانی که در این گروه تلاش می‌کنند کوشش آنها بر این است که با توجه به اندوخته‌ها و وقت و زمان خود، کلاسها را اداره کنند. نظر من این است که عید معلم زمانی است که بتواند کلاس خود را به خوبی اداره کند. اگر مطالب جدیدی در کلاس مطرح شود و دانشجو از کار استادش راضی باشد آن روز، عید معلم است. از طرفی هنگامی که دانشگاه می‌خواهد یک مربی را در گروه استخدام کند با گروه تماس می‌گیرد و آیین‌نامه‌هایی در گروه هست که می‌گوید آیا این مربی که در گروه می‌خواهد استخدام شود، می‌تواند یازده واحد درس بگیرد؟ مربی‌ای که هنوز در ابتدای کار خودش هست و هنوز الفبای اداره کلاس و برخورد با دانشجو و نحوه تدریس را در کلاسها یاد نگرفته است نمی‌تواند یازده واحد درس بگوید. طبیعی است که این یازده واحد احتیاج به چند تخصص دارد و در بیشتر مواقع اشاره به این می‌شود که اگر از لحاظ مسایل آموزشی و تئوریک، کارها تخصصی باشد هم دانشجو راحت است و هم استاد. با توجه به کمبود استاد در اکثر گروهها، تخصصی کردن دروس غیرممکن است. مثلاً خود من که در زمینه‌ای تخصص دارم و دکترایم هم گرفته‌ام، می‌توانم به راحتی در زمینه تخصصم در کلاس صحبت کنم و هیچ محدودیتی برای بنده نیست. بنابراین همانطور که عرض کردم من هیچ افتی در کلاسها نمی‌بینم. حالا همکاری را که بیش از بیست سال کلاس را اداره کرده است و اکنون که دچار پیری و افزایش سن شده و توانایی جسمانی او افت کرده است دلیل بر این نیست که کلاس این همکار در واقع دارافت می‌کند. خواست گروه و دانشکده بر این است که نیروهای جدید تر

ما با این مسأله نمی‌توانیم کاری داشته باشیم و به دولت برمی‌گردد. دوم اینکه بینیم تحقیق و پژوهش در کجا تمرکز پیدا کرده است. برعکس بسیاری جاها که باستان‌شناسی و رشته‌های دیگر پیشرفت می‌کنند در اینجا تحقیق به دولت وابسته شده و سازمان عریض و طویل میراث فرهنگی یک بروکراسی عظیمی دارد که ترمز وحشتناکی جلوی تحقیق و پژوهش است. سازمان میراث فرهنگی سالانه بودجه‌ای دارد که زیاد هم فکر می‌کنم باشد که تا آخر سال باید آن را خرج کند. مثلاً به باستان‌شناس بودجه‌ای می‌دهند برود و کار کند که دیگر خبری از او نمی‌شنویم. البته همکاری هستند که کار می‌کنند، درس می‌دهند و خوب هم می‌نویسند. ولی اکثر کادر پژوهشی باستان‌شناسی که می‌روند و کار می‌کنند، خبری از آنها نیست. وگرنه مگر ما کم باستان‌شناس داریم. پس چرا چیزی نمی‌نویسیم؟ دانشجو به هر حال باید یک چیزی بخواند. از کجا بخواند؟ اکثرشان که زبان خارجی نمی‌دانند. غیر از عده معدودی، آنهایی که در ایران کار می‌کنند هم چیزی نمی‌نویسند. یک چیز دیگری که هست اینکه رقابت اصلاً وجود ندارد و این نبود رقابت نه فقط در دانشگاه بلکه در سازمان میراث فرهنگی باعث شده که کارها را مثل امور اداری انجام دهیم. اصلاً این روند پژوهشگر را خراب می‌کند و انگیزه‌های برای پژوهش باقی نمی‌گذارد چون به هر حال آن بودجه آنجا هست می‌گیرد، می‌رود و کارش را انجام می‌دهد. مشکل بزرگ این است که اصلاً تحقیق در دانشگاه متمرکز نشده است. مثل ترکیه که باستان‌شناسی‌اش نسبت به ما خیلی پیشرفته است یا عراق پیش از جنگ یا سوریه امروز یا مصر و ... در اکثر اینها دانشگاهها بسیار فعال‌تر از سازمانهای فرهنگی و وابسته به دولت است. در واقع خط پژوهشی را دانشگاههای مختلف باید بدهند. متأسفانه در اینجا دانشگاه تهران حتی اگر بخواهد دانشجویها را کاوش ببرد با هزار نوع مشکل مواجه می‌شود. یعنی پژوهش در سازمان میراث فرهنگی متمرکز شده که خودش یک بروکراسی عظیمی دارد و همین مسأله باعث دست و پاگیر شدن بسیاری چیزها شده و این دانشجوی آموزش ندیده وقتی جذب میراث می‌شود، معلوم نیست که باید چه کار کند. خوشبختانه باستان‌شناسان قدیمی ما سالها و دهه‌ها کار میدانی کرده‌اند و حالا با آن تجربه کار می‌کنند ولی نسل جدید باستان‌شناسان ما واقعاً آن تجربه را ندارند. نمیدانم چطور باید حل شود. واقعاً پاسخ دادن به اینها خیلی مشکل است. عنوان کردن راحت است. تحقیق از دانشگاه به سازمان میراث فرهنگی منتقل شده که یک بروکراسی عظیمی دارد و اجازه تحقیق نمی‌دهد و دانشجویان آموزش ندیده وارد سازمان می‌شوند و این به شدت به زیان جامعه باستان‌شناسی و علمی کشور است. علاوه بر این، سازمان و موزه ملی کار خاصی برای جذب مردم و بویژه بچه‌ها نکرده‌اند. آموزش باید از همان ابتدا شروع شود. الان هم که می‌بینم در هر دهات کوره‌ای یک دانشگاه زده‌اند و رشته باستان‌شناسی دایر کرده‌اند. چه

و متخصص تری را جایگزین آنها بکنیم که به قول بعضی‌ها افت علمی در آنها مشاهده می‌شود و یا توانایی اداره کلاس را ندارند. از طرفی باید توجه داشت که در آموزش عالی برای اداره کلاسها، پایین‌ترین درجه، درجه دکتر است ولی با توجه به اینکه ما در کشور و در گروه، کمبود تخصص داریم، خوب به اجبار از یک همکار عزیز نیز می‌توان استفاده کرد. البته مخالفت با استخدام و آمدن آنها با گروه نیست. من قبلاً اشاره کرده‌ام که همکاری که با درجه مربی در گروه استخدام می‌شود، ابتدا یک ترم زمان آزاد باید به او بدهیم تا با فضای گروه و کلاسها آشنا شود و بعد به تدریس دو واحد درسی به او داده شود و حداکثر واحدی که برای او گذاشته می‌شود، بیشتر از ۶ واحد نباشد و من فکر می‌کنم اگر ما به خاطر اینکه افتی در کلاسها مشاهده می‌کنیم باید کارها را تخصصی کنیم و اگر همکاری با توجه به تخصصی که دارد در زمینه تخصص خود تدریس کند هم دانشجو راحت است و هم استاد و هم افت علمی، خود به خود از بین می‌رود.

□ آقای دکتر عزیز! لطفاً شما هم نظرتان را درباره این مسأله بفرمایید.

دکتر عزیز: مشکل باستان‌شناسی ایران مثل جعبه پاندورا است. دست بزینم انواع و اقسام مشکلات پیدا می‌شوند. با این حال بهتر است بیاییم و مشکل را به دو تا تقلیل بدهیم. یکی مشکل بنیادی است و باستان‌شناسی مظهري از آن است و به سیستم آموزشی سنتی ما برمی‌گردد که پایه و اساس آن بر حفظ کردن بنا شده است. من شاهد بوده‌ام که وقتی دانشجوی ما می‌رود آنطرف [خارج از ایران] نمی‌تواند از اطلاعات خود به شکل تحلیلی استفاده کند. ولی دانشجوی غربی از همان

اطلاعات بسیار کمی که دارد به شکل تحلیلی استفاده می‌کند و بسطش می‌دهد. تفکر تحلیلی انسان از دبستان و حتی کودکتان شروع می‌شود، چیزی است که ما نداریم و از دستمان هم کاری بر نمی‌آید و تنها دولت می‌تواند برنامه ریزی کند و آموزش و پرورش را از ابتدا و نه از دانشگاه به سمت درستی حرکت دهد. جوان وقتی به دانشگاه می‌آید دیگر فکرش ساخته شده است و نمی‌شود او را تربیت تحلیلی کرد. یعنی مشکل ما نبود تفکر تحلیلی است. ساختار مغزی ما با غربی‌ها فرق ندارد بلکه روش و ساختار آموزشی ما اینطور است وگرنه کتاب هست، مغز هست، نیروی انسانی هست و جوانان ما هم نشان داده‌اند که حتی می‌توانند برتر از آنها هم باشند. مشکل باستان‌شناسی هم با این مشکل کلی و بنیادی مرتبط است و تا آن حل نشود، این هم حل نمی‌شود. اصولاً مگر ما در تاریخ و فلسفه کار زیادی کرده‌ایم یا مگر در نقد ادبی که اینجا یک کشور ادبی است کار زیادی کرده‌ایم حالا به فیزیک و شیمی و ... کاری نداریم.

بنابراین یک مشکل اساسی داریم که به نوع آموزش ما برمی‌گردد. یک انشای ساده که اولش هم بلافاصله می‌گویند «البته واضح و مبرهن است که ...» می‌تواند بعداً تأثیر بسیاری عظیمی در تفکر تجزیه و تحلیلی دانش‌آموز و دانشجو داشته باشد. پس

● به صورت پرسش و پاسخ مسأله را طرح کردن کار خوبی نیست چون صاحب‌نظران دانشگاهی به این نتیجه رسیده‌اند که نه در گروه باستان‌شناسی بلکه در تمام گروه‌هایی که در دانشگاهها موجودند و توان علمی دارند، باید دوره دکتری ایجاد کنند که این زمینه برای ما فراهم است و اگر پیگیری شود، می‌توان اجرا کرد.

● من معتقد نیستم که در گروه باستان‌شناسی افت علمی وجود دارد چرا که تمام همکاری‌هایی که در این گروه تلاش می‌کنند کوشش آنها بر این است که با توجه به اندوخته‌ها و وقت و زمان خود، کلاسها را اداره کنند.



طبعاً باعث کنندی کار می‌شود. تصور می‌کنم بحث بروکرآسی و مسایل اینچنینی به هر حال در درازمدت قابل حل است و یک بحث بنیادی نیست. حال یک کاری دو روزه انجام نشود، سه روزه یا یک ماهه انجام میشود و کارهای باستان‌شناسی هم بجز موارد خاص آورژانسی نیست. باید بیش از همه چیز به مسأله «تخصص پذیری» اهمیت داد و آن را رعایت کرد. بحث ما نه اعتراض به سازمان خاصی است نه مرکز علمی خاصی و نه می‌خواهیم فرضاً اختلافاتی را که وجود دارد باز کنیم. قصد ما این است که میراث فرهنگی مملکت ما به بهترین وجهی حفظ شود. برای حفظ آن هم باید مطالعه شود و ارزشهای مشخص شود و اصلاً ببینیم چرا باید حفظش بکنیم. فکر می‌کنم پیشنهاداتی که ما باید اینجا بکنیم، این است که وضعیت این مطالعات را روشن کنیم و کمبودهایی را که احساس می‌کنیم از نظر تخصص، امکانات علمی، وسایل و ابزارهای کار که می‌توانند بار کیفی تحقیق را زیاد کنند، آنها را بیشتر مطرح کنیم تا بشود برنامه‌ریزی و اجرا کرد و به نتیجه‌ای رسید. در مورد سؤال شما باید بگویم همیشه پژوهشگران ما از مشکلات اداری گلایه می‌کنند اما به هر حال باید ضابطه‌ای باشد. البته قبول داریم که بروکرآسی کارها را کند می‌کند و لطمه می‌زند با این حال مشکلات را باید به بهترین وجهی حل کرد. بخش بررسی کارهای پژوهشی (که به بخش اداری واگذار می‌شود) هم همینطور است. باید کمیته‌هایی برای بررسی دقیق وجود داشته باشد. به این نکته تأکید می‌کنم چون مسأله بسیار مهمی است، ما اجازه نداریم که به اتکای مدرک و تالیفات یک شخص و بدون اطلاع دقیق از قابلیت و صلاحیت علمی افراد مسؤلیت سنگین فرهنگی - پژوهشی این مملکت را به یک فرد بدهیم. کارهایی که امروز انجام می‌شود، بسیار پراکنده است و اصلاً جایی را پر نمی‌کند. من آمار ندارم، کارهای زیادی انجام می‌شود ولی پراکنده است. بدون برنامه‌ریزی است و اگر این کارها برنامه‌ریزی شده و سیستماتیک نباشد، اصلاً به جایی نمی‌رسد. باید با هدفهای معینی برنامه‌ریزی کرد و به برنامه‌ها جهت داد. در غیر این صورت هرگز به جایی نمی‌رسیم.

□ آقای دکتر فیروزمندی! آیا تأسیس مقطع دکتری باستان‌شناسی در توسعه و پیشرفت باستان‌شناسی ایران واقعاً مؤثر خواهد بود؟

دکتر فیروزمندی: فکر می‌کنم همه مسایل به سیستم یا سیستمهای آموزشی برمی‌گردد. طبعاً مسؤل ضعف آموزشی، دانشگاهها هستند و تا زمانی که دانشگاهها در جهت تخصص‌پذیری تحول پیدا نکنند، با این مشکلات روبرو خواهیم بود. مسأله دیگر اینکه ما اگر بخواهیم کلاسها از نظر دیده‌ها و مسایل علمی پربارتر شود، باید واحدهای همکاران را کم کنیم و در چارچوب تخصصی که همکاران گرفته‌اند برایشان درس بگذاریم. پایان‌نامه‌ها در گروههای دانشگاههایی که باستان‌شناسی دارند تعدادش خیلی زیاد است. مثلاً یک استاد راهنما ۱۰ پایان‌نامه را راهنمایی می‌کند و این به مشکلات اقتصادی خانواده برمی‌گردد. اگر مشکلات اقتصادی بنده فراهم نباشد، به جای اینکه هفته‌ای ۲۰ واحد تدریس کنم، می‌آیم هفته‌ای ۴، ۵ یا ۶ واحد تدریس می‌کنم و بقیه وقت خودم را به تحقیق می‌پردازم. البته فکر می‌کنم اگر در محیط آموزش عالی از نظر استخدام، نیروهای متخصص، مؤمن فداکار حداقل با درجه دکترا پذیرفته شوند، مشکلات ما کم می‌شود. این مشکل آموزشی بود. مشکل دیگر به سازمان میراث فرهنگی برمی‌گردد که همکاران آنجا بسیار زبردست و کار دیده هستند. اما وقتی صحبت از کاوش علمی می‌شود، می‌بینیم کاوش علمی در این مملکت بسیار بسیار ناچیز است. کلاسهای درس زمانی پربارتر می‌شود که آقای دکتر رفیع‌فر و ... بتوانند در جاهای دیگر حفاری کنند و نتایج را به صورت کار جدید در

کسی می‌خواهد تدریس کند، خدا می‌داند!

□ سؤال بعدی ما درباره جدا شدن پژوهشهای باستان‌شناسی از بدنه اداری سازمان میراث فرهنگی است. آقای دکتر صراف! شما بفرمایید که با این مسأله موافقید یا مخالف و چه دلایل و پیشنهاداتی دارید؟

دکتر صراف: طبعاً اگر آموزش و پژوهش با هم باشند، خیلی خوب است. من توصیه می‌کنم در آموزش دو خط یکی به طور تخصصی برای دانشجویان و یکی آموزش عمومی وجود داشته باشد. دیدن آموزش و پژوهش در کنار هم خیلی عالی است. البته این باید به وزارت علوم، آموزش عالی و ... پیشنهاد داده شود تا بتوانند این دو قسمت را یک قسمت کنند. آن وقت می‌توانیم برنامه‌هایی هم در قسمت آموزش داشته باشیم و هم از آموزش برویم به پژوهش. تا وقتی که بخش آموزشی ما درست نشود، انتظار اینکه سازمان میراث فرهنگی درست عمل کند، خطاست. سازمان مستول آموزش است. کارشناسان آنجا از دانشگاه رفته‌اند و اگر اشکالی آنجا وجود داشته باشد، به اینجا برمی‌گردد. یعنی باید پایه پژوهش در اینجا درست شود تا در سطح پژوهش در آنجا موفق شویم.

□ آقای دکتر رفیع‌فر! نظر شما چیست؟

دکتر رفیع‌فر: لازم می‌دانم به نکته‌ای اشاره بکنم. بروکرآسی زیاد است و

● من فکر می‌کنم احتمال بازگشایی دوره دکترا در دانشگاه تهران وجود دارد ولی هیچ دردی را از ما دوا نمی‌کند.

● مشکل ما نبود تفکر تحلیلی است. ساختار مغزی ما با غربی‌ها فرق ندارد بلکه روش و ساختار آموزشی ما اینطور است وگرنه کتاب هست، مغز هست، نیروی انسانی هست و جوانان ما هم نشان داده‌اند که حتی می‌توانند برتر از آنها هم باشند.

● برعکس بسیاری جاها که باستان‌شناسی و رشته‌های دیگر پیشرفت می‌کنند در اینجا تحقیق به دولت وابسته شده و سازمان عریض و طویل میراث فرهنگی یک بروکرآسی عظیمی دارد که ترمز و حشمتناکی جلوی تحقیق و پژوهش است.



چيست؟ در گروه‌های باستان‌شناسی که همگان آگاهند استاد (Prof.) نداريم. پس آيا استاد عربي يا فارسی می‌تواند بيايد باستان‌شناسی تدریس کند؟
دکتر فیروز مندی: البته منظور از گروه‌های دیگر گروه تاریخ، زبانهای

کلاسه‌ها ارایه دهند. متأسفانه چند بار هم که به جذب نیروهای جوان اشاره کردیم با انتقاد روبرو شدیم. کشور ما از نظر معادن غنی است ولی عمر آن کوتاه است. پس باید از جنبه اقتصادی به صنعت توریسم توجه شود. تخت جمشیدها، بیستونها و... بالقوه دارای منفعت اقتصادی هم هست. در

● پس برای اینکه ما بتوانیم مشکلاتمان را حل کنیم، باید یک جمعی باشد که به مسایل صنفی ما بپردازد؛ چه دانشجویان، چه اساتید و چه کارشناسان.

● برنامه آموزشی ما را نگاه کنید. چه تغییری در سطح فوق لیسانس می‌بینیم؟ هیچی! همان در سه‌هست که دوباره تکرار می‌شود. ولی اگر بیایم از همه امکانات انسانی و غیرانسانی استفاده کنیم، می‌توانیم.

باستانی و... است و منظور این نیست که آنها تدریس کنند بلکه در صحبتی که با مسؤولان داشتیم گفتند شما می‌توانید از گروه‌هایی که با گروه شما ارتباط دارند، استفاده کنید یعنی با استفاده از آنها می‌خواهیم مشکل گرفتن مجوز را حل کنیم. ولی وقتی که دوره دکترا تأسیس شد، مدرسینی در [سازمان] میراث یا در [دانشگاه] تربیت مدرس هستند یا در گروه‌هایی که باستان‌شناسی تدریس می‌کنند هست که می‌توان از آنها استفاده کرد.

□ البته جسارت است ولی ظاهراً می‌خواهید کلاه شرعی بگذارید! استاد شما در دانشگاه آنکارا "پروفیسور تحسین اوزگوج" بود ولی آوردن استاد از تاریخ یا زبانهای باستانی چه مشکلی را حل می‌کند؟ یعنی باید به این مسأله به طور جدی انتقاد شود.

دکتر فیروز مندی: ما مجبوریم یا دنبال تأسیس دکترا برویم و جهت شروع از استادان تاریخ و زبانهای باستانی استفاده کنیم یا شما چاره‌ای به ما نشان دهید.

□ با توجه به نظرات آقای دکتر فیروز مندی ایشان با بیان ادله، موافقتشان را با تأسیس دوره دکترا بیان داشتند. از خانم دکتر لاله خواهش‌مندیم تا نظراتشان را در این باره بفرمایند.

دکتر لاله: ما خودمان از خودمان کارمند می‌سازیم. آیا بسیاری از ما وارد دانشگاه نمی‌شویم که مدرک بگیریم و با آن کار پیدا کنیم؟ ما وارد دانشگاه می‌شویم که از خودمان کارمند بسازیم. همه جای دنیا ورود به دانشگاه آسان است ولی خروج سخت است ولی کنکور ما برعکس است. رشته‌های علوم انسانی جایگاه و ارزش واقعی خود را ندارند. طرف می‌خواهد دکترا بشود، مهندس بشود، قبول نمی‌شود، بالاخره مسیرش به علوم انسانی می‌خورد و در این میان باستان‌شناسی نیز از این علوم است که این افراد وارد آن می‌شوند تا مدرک بگیرند. تحقیق، خون دل و سختی دارد و تمام روز و شب باید اندیشه شما کار کند و انرژی شما باید مصرف شود. کسب علم ساده نیست، با گرفتن مدرک فرق می‌کند. بنابراین ما اگر خودمان را کارمند بدانیم چیزی را که ساختار اداری شده، خودمان ساخته‌ایم. در باستان‌شناسی با میراث فرهنگی سر و کار دارید. یعنی ابعاد مادی و معنوی انسان در کل جهان از آغاز تا امروز، بنابراین مسأله میراث فرهنگی مسأله چند پژوهشگر نیست بلکه مسأله همه ایران است. لذا ما یک ساختار اداری خوب می‌خواهیم منتهی یک ساختار اداری خوب با

سازمان گاهی انتقاد می‌شود که فارغ‌التحصیلان گروه باستان‌شناسی تهران بی‌سوداند من دعوت می‌کنم بیایند وقتی که دانشجویان دفاع دارند، پای صحبت این عزیزان بنشینند یعنی علی‌رغم محدودیت مالی و اینکه هیچ کمک مادی از سوی دانشگاه صورت نمی‌گیرد، کار دانشجوی عالی است. مسأله بعدی اینکه با تأیید سخنان دکتر رفیع‌فر می‌گویم تا زمانی که کار پژوهشی را به متخصص واگذار نکنند، باستان‌شناسی ما پیشرفت نخواهد کرد. البته در محیط آموزش عالی حداقل درجه تحصیلی که به یک استاد اجازه می‌دهد تا در کاوش شرکت کند، داشتن دکترا و عضویت در فصول مختلف حفاری است. بنده که دکترا هستم و تجربه کاوش ندارم، باید بروم مثلاً پیش آقای رهبر تجربه کسب کنم. بعد به عنوان رییس هیأت به کاوش بروم و اگر غیر از این باشد، نوعی خیانت است. اگر مشکل آموزشی ما حل شود، همین جوانها می‌توانند ما را به سطح ایده‌آل برسانند که حتی دیگر نیاز به خارجی‌ها هم نباشد. از طرفی به دوره دکترا اشاره شد. در این باره باید عرض کنم که در گروه ما ۱۲ نفر عضو ثابت به عنوان هیأت علمی وجود دارد و چند نفر هم به عنوان استاد مدعو هستند. یکی از شرایط ایجاد دکترا در گروه ما وجود ۲ استاد است. بنده استادیار هستم، یکی دانشیار است و آن یکی استاد است. تا زمانی که ۲ استاد در گروه آموزشی نباشد، آموزش عالی اجازه تأسیس دوره دکترا نمی‌دهد. با این حال ما دوندگی کردیم که از گروه‌های دیگر که درجه استادی دارند، با گروه جهت ایجاد دوره دکترا همکاری کنند و این زمینه فراهم شود تا گروه باستان‌شناسی که پنجاه سال در این دانشکده قدمت دارد، جای خودش را پیدا کند. حتی علی‌رغم اینکه ما در گروه مشکل علمی داریم، ولی می‌توانیم نه فقط از همکاران میراث فرهنگی بلکه کسانی که صاحب‌نظر هستند، بازنشسته هستند و متخصص هستند استفاده کنیم. برای تأسیس دکترا در مرحله اول می‌توانیم ۴ نفر پذیرش داشته باشیم و خواست ما این است تا آخر سال این مشکل را در گروه حل کنیم و البته می‌دانیم دانشجویانی که برای گرفتن دکترا به خارج می‌روند، حداقل بیش از ده میلیون تومان هزینه خرج می‌کنند. البته درست است که در آنجا جو علمی خاصی مطرح است ولی می‌شود همان بودجه را در اختیار گروه‌های باستان‌شناسی قرار داد و با استفاده از امکانات اقتصادی، دانشجویی تربیت کرد که مفید باشد و ما بتوانیم با دید ایرانی تری به تاریخ خودمان نگاه کنیم.

□ آقای دکتر! بیانات شما پرسشی را در ذهن همگان برانگیخت. شما فرمودید دو استاد لازم است و این دو استاد را از گروه‌های دیگر خواهیم آورد. منظور از گروه‌های دیگر





راحت طلب شده‌ایم و منتظریم که برای ما کار کنند، غافل از اینکه پژوهش، خون دل و تلاش می‌خواهد.

□ مسأله دکترا چند سالی است که در محافل باستان‌شناسی کشور مطرح است. برخی عقیده دارند که هنوز سطح و توان ما برای تأسیس این مقطع کافی نیست و برخی می‌گویند به هر حال باید از جایی شروع کرد. شما که از بیرون نگاه می‌کنید، مسأله را چگونه می‌بینید؟

دکتر علیزاده: من واقعاً نمی‌دانم ساختار علمی دانشگاه تهران چگونه است ولی اگر من مسئول تصمیم‌گیری بودم از خودم می‌پرسیدم آیا ما از فوق لیسانس‌هایی که بیرون داده‌ایم، راضی هستیم یا نه؟ اینها چه مشکلی را حل کرده‌اند؟ دکترا مدرک است اما آنچه در دکترا یاد می‌دهند شکل

ارتباط این دو ممکن است، یعنی مدیر باید بداند که پژوهشگر چه می‌خواهد. ساختار علمی دانشگاه باید به ما سخت بگیرد و سطح کیفی آن باید بالا باشد. ضوابط استخدام در محیط فرهنگی باید منظم و درست باشد. خود دکترا مهم نیست، بلکه روش تحصیل در مقطع دکترا مهم است. دکترا به ما می‌آموزد که چگونه سالها روی یک موضوع کار بکنیم چه قبل و چه بعد از دکترا. همانطوری که یک ساختار اداری محیط خوبی را برای پژوهشگر آماده می‌کند، یک ساختار آموزشی و دکترای خوب هم برای یک دانشجو می‌تواند مفید باشد. دکترا می‌شویم که چی؟! به نظر من سطح مطلوب برای تأسیس چهارچوبی واقعاً کیفی و علمی برای تربیت دکترا وجود ندارد. چرا که حتی بسیاری از ما حاضر نیستیم که برای تهیه کتاب تا سر پل تجریش برویم، ما نباید بنشینیم که برای ما تهیه کنند، متأسفانه ما

قوی وجود ندارد بگیریم. در دوره دکتر استاد نقش چندانی ندارد بلکه بیشتر توان شخصی فرد مهم است. منابع می‌خواهد که زیاد هست. دانستن زبان می‌خواهد که خیلی‌ها بلدند. من دیده‌ام خوب هم می‌خوانند نکته‌ای را هم دکتر عزیزاده اشاره کردند که دانشجو زیاد داریم البته فقط در باستان‌شناسی نیست در همه رشته‌هاست. متأسفانه سیستم ما اینطور است با اینحال اگر یک لیسانس باستان‌شناسی داشته باشیم بهتر است از اینکه هیچی نداشته باشیم چون او درس می‌خواند و فرداً مثلاً اهمیت آثار باستانی را به جامعه انتقال می‌دهد.

□ **آقای دکتر صراف! با توجه به صحبت‌هایی که شد و با توجه به امکانات و بودجه‌هایی که در اختیار داریم، از نظر شما به عنوان یک استاد پژوهشگر آیا تأسیس مقطع دکترای کیفیت ایده‌آل را خواهد داشت یا خیر؟**

دکتر صراف: در هیچ جای دنیا کار را در سطح بالا شروع نکرده‌اند. ما هم در آن شرایط هستیم ولی باید دید که کار را از کجا باید شروع کرد. سؤال این است که آیا ما امکانات داریم؟ من می‌گویم داریم. فقط باید یک جا جمع شود. استادانی که وجود دارند چه در خارج و چه در مراکز مختلف داخلی باید جمع شوند و حضور فعال داشته باشند و مهم‌تر از همه اینکه یک برنامه باشد. برنامه آموزشی ما را نگاه کنید. چه تغییری در سطح فوق لیسانس می‌بینیم؟ هیچی! همان درس‌هاست که دوباره تکرار می‌شود. ولی اگر بیاییم از همه امکانات انسانی و غیرانسانی استفاده کنیم، می‌توانیم.

دکتر فیروزمندی: ما الان یک دانشیار داریم و اگر بروند و مشکلشان را حل کنند، استاد می‌شوند و بقیه یا مربی هستند یا استادیار. در کنار شرط موجودیت یک استاد موجودیت یک کتابخانه جامع است. در رابطه با ایجاد دکترای تصور می‌کنم کتابخانه مؤسسه باستان‌شناسی بتواند جوابگو باشد. به امکانات آزمایشگاهی و لابراتوار اشاره کردند که فکر می‌کنم در درازمدت بشود این مسأله را حل کرد. البته به صورت پرسش و پاسخ مسأله را طرح کردن کار خوبی نیست چون صاحب‌بنظران دانشگاهی به این نتیجه رسیده‌اند که نه در گروه باستان‌شناسی بلکه در تمام گروه‌هایی که در دانشگاه‌ها موجودند و توان علمی دارند، باید دوره دکترای ایجاد کنند که این زمینه برای ما فراهم است و اگر پیگیری شود، می‌توان اجرا کرد. من بر خلاف دیگر استادان معتمد در تمام دانشگاه‌ها باید گروه باستان‌شناسی ایجاد شود، چون برای حفظ این آثار، ما نیاز به

تحقیق است. کسی که دکترای می‌گیرد یعنی اینکه عاشق آن کار است و معمولاً ترش این را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که این فرد می‌تواند تحقیق کند، به منابع آشنایی دارد، با یکی دوزبان آشنایی دارد. در اینجا آن وقتی که من دانشجو بودم، نمی‌توانستیم کتاب بگیریم الان هم یک کتابخانه در موزه [ملی ایران] است که البته به دانشجویها به سختی کتاب می‌دهد. تحقیق در سطح دکترای تحقیق در سطح بالاست و باید دانشجو به زبان خارجی آشنا باشد و نیاز به *Journal* های مختلف است حتی کتاب هم نه! بیشتر مسایل تحقیقی در *Journal* ها است. من فکر می‌کنم احتمال بازگشایی دوره دکترای در دانشگاه تهران وجود دارد ولی هیچ دردی را از ما دوا نمی‌کند. ما با چه زیربنایی می‌خواهیم پژوهش انجام بدهیم؟ به هر حال این چیزی است که من از بیرون می‌بینم. شاید در داخل اینطور نباشد و مقدمات و زمینه کار فراهم باشد. من که نمی‌دانستم ولی آنطور که الان گفتند از گروه‌های دیگر برای باستان‌شناسی می‌خواهند استاد بیاورند. اینها از نظر روش‌شناسی و متدولوژی علمی چیزی به باستان‌شناسی اضافه نمی‌کنند و این پرسش وجود دارد که آیا دانشگاه تهران با این ویژگی‌ها آیا می‌تواند سطح بالایی از تحقیق را راه‌اندازی کند. اگر پاسخ مثبت می‌دهیم، بله. و اگر نه باید صبر کنیم. صرفاً از یک جا شروع کردن، فقط مدرک درست می‌کند. دکتر لاله درست گفتند این لشگری را که ما داریم، در دنیا نمونه است. رشته ما پول‌ساز نیست. مشکل واقعاً زیاد است. داخل صحرا رفتن سخت است، تحمل نیست. ما مهندس و بنا و پزشک نیستیم، محقق هستیم اگر نتوانیم محقق تربیت کنیم، وقتی از اینجا خارج می‌شوند، تحقیق ایجاد نمی‌شود.

دکتر رفیع‌فرو: لازم است درباره مقرراتی که درباره تأسیس مقطع دکترای وجود دارد توضیحی بدهم که مسأله روشن‌تر شود. برای تأسیس دکترای در دانشگاه تهران حداقل یک سلسله ضوابط علمی در مقاطع آموزشی در نظر گرفته می‌شود. یعنی برای تأسیس باید لوازمی باشد مثلاً "استاد" و همانطور که اشاره شد، الزاماً می‌تواند عضو یک گروه خاص نباشد. ولی با آن گروه همکاری داشته باشد. حالا اسمش را می‌گذارند "استاد پیوسته". چون در رشته‌های انسانی آنقدر به هم وابسته‌اند که وقتی مثلاً درباره باستان‌شناسی صحبت می‌کنیم، همه درسها الزاماً باستان‌شناسی نیست و از رشته‌های دیگر استفاده فراوانی می‌شود. در مقطع دکترای وقتی می‌خواهند پایان‌نامه بنویسند باید با همه رشته‌ها آشنا باشند. یعنی آن موضوعی را که کار می‌کنند به تخصصهای زیادی ارتباط پیدا می‌کند و باید

● **اگر سؤال این هست که ما چشم‌انداز آینده باستان‌شناسی ایران را چگونه می‌بینیم پاسخ آن متأسفانه خوشحال‌کننده نیست.**

● **قصد ما این است که میراث فرهنگی مملکت ما به بهترین وجهی حفظ شود. برای حفظ آن هم باید مطالعه شود و ارزشهایش مشخص شود و اصلاً ببینیم چرا باید حفظش بکنیم.**

● **کارهایی که امروز انجام می‌شود، بسیار پراکنده است و اصلاً جایی را پر نمی‌کند. من آمار ندارم، کارهای زیادی انجام می‌شود ولی پراکنده است. بدون برنامه‌ریزی است و اگر این کارها برنامه‌ریزی شده و سیستماتیک نباشد، اصلاً به جایی نمی‌رسد.**

باستان‌شناس بیشتری داریم و باید در نهادهای مختلف، باستان‌شناسی برود و راه یابد و مثلاً در یک شرکت نفت، ماهی یکبار جلسه‌ای گذاشته شود و اهمیت باستان‌شناسی را تشریح کنند که طبعاً به اقتصاد مملکت از طریق باستان‌شناسی می‌توان کمک کرد.

آشنایی داشته باشند پس استفاده از استادان دیگر به عنوان استاد پیوسته اشکالی پیش نمی‌آورد. اکثر رشته‌های ما بویژه علوم انسانی شرایط خاصی دارند و آن اینکه ما نمی‌توانیم و نباید جلوی آن تعدادی که می‌توانند و نباید توان آن‌ها را نادیده گرفت، به بهانه اینکه کادر علمی

